



بررسی دو کتاب جذاب درباره آزادگان، به بهانه سالروز بازگشت شان به میهن

## ملا صالح و آن بیست و سه نفر در کاخ صدام

نگاهی به کتاب «ملا صالح»

### سرگذشت عجیب یک مرد شگفت انگیز



**احمد کاظمی** -ملا صالح قادری، شخصیتی خاص در تاریخ ایران است که در صفحات تاریخ کمتر نامی از وی برده می شود اما خاطراتش دهان به دهان نقل می شود. زندان، زندان و زندان، خلاصه زندگی اوست، در زمان رژیم شاه، در عراق و بعد از رهایی از اسارت، در ایران؛ همراه با اتفاقات و ناملاپماتی که هر کدام به تنهایی می تواند یک آدم را از پا در آورد. ملا صالح یک ایرانی عرب زبان است که خیلی زود، به ظلم و تبعیضی که در زمان رژیم پهلوی وجود داشت پی می برد و برای از بین بردن آن مبارزه می کند و توسط ساواک دستگیر می شود، شکنجه را تحمل می کند و تا پای اعدام پیش می رود. بعد از پیروزی انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی، دوباره به فکر استفاده از موهبتی که خدا به او عطا کرده، می افتد و با توجه به عرب زبان بودن اش، در رادیو کار خود را شروع می کند و با این کار، سعی در تضعیف روحیه دشمن و انجام جنگ روانی علیه آن ها دارد. با وجود کار در رادیو به فکر همکاری با گروه های معارض حزب بعث در کشورهای عربی می افتد و در همان ابتدای جنگ و در پی همکاری با «حزب الدعوة» که از مخالفان حزب بعث عراق بود، با یک لنج پر از مهمات روی آب اسیر و دوره سخت دیگری از زندگی اش شروع می شود. تحمل زندان استخبارات عراق، سهمگین ترین دوره زندگی اوست. استرس، ترس و شکنجه، کلیدواژه های این زندان است. در همین زندان یکی از مناققان با وجود تلاش های ملا صالح، او را شناسایی می کند و به عراقی ها می گوید که بلبل خمینی به دام شما افتاده است و به مدت سه سال و نیم در این زندان مخوف گرفتار می شود. در این مدت، به مترجم اسرای ایرانی در زندان امنیتی عراق تبدیل می شود و از جمله ماجراهای جالبی که برای او رخ می دهد، دیدار با ۲۲ نوجوان اسیری است که خاطر اتشان در کتابی با عنوان «آن بیست و سه نفر» به چاپ رسیده است. کمک به این نوجوانان و دیدار با صدام از جمله موضوعات جذاب این کتاب است. ملا صالح بعد از تحمل ۸ سال زندان ساواک و ۴ سال اسارت در عراق، بعد از بازگشت به کشور، ۲ سال هم در ایران زندانی شد. کتاب «ملا صالح» سرگذشت غریب انسانی است که تا مدت ها در کشور خود به چشم یک خائن به او نگاه می کردند و مدت ها زمان برد تا اسرای دربند رژیم بعثی از اسارت برگردند و شهادت بدهند که او یار و همراه آن ها در این مدت بوده است. «ملا صالح»، تابستانی اسماel به چاپ دهم رسید.



نگاهی به کتاب «آن بیست و سه نفر»

### بزرگ مردان کوچک!



**مصطفی میر جانیان** - «آن بیست و سه نفر» کتابی است که شو که تان می کند چون به قول نویسنده، ماجرای این کتاب اتفاقی است که نمونه اش در هیچ جنگی رخ نداده. این کتاب شرح خاطرات «احمد یوسف زاده» و بیست و دو نفر از نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله است که به خاطر عشق حضور در جبهه، عطای شیرینی های کودکی و نوجوانی را به لقایش می بخشند و تصمیم می گیرند دوشادوش رزمندگان دیگر به جبهه بروند و از آب و خاک و ناموسشان دفاع کنند. البته این رفتن به همین آسانی هم نیست و برخی از این نوجوانان به خاطر سن کمی که دارند، دست به هر کاری می زنند تا از نگاه فرمانده هایشان از جمله سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده سابق لشکر ثار... کرمان مخفی بمانند و مشکلی مانع رفتن شان به جبهه نشود. منتها ماجرای اصلی بعد از اعزام به جبهه و اسیر شدن احمد یوسف زاده و همزمانش شروع می شود. زمانی که آن ها را به پادگان نظامی در بصره می برند و بر خلاف انتظار شان رژیم بعث از آن ها به خوبی استقبال می کند که بعد مشخص می شود همه این کارها یک مانور تبلیغاتی برای حکومت صدام بوده تا با ارائه این تصاویر به جهان، وانمود کند با اسرای ایرانی در کمال مهربانی برخورد می شود و همین حرکت تبلیغی و تصویر برداری از اسرا، ریشه و سرمنشأ اتفاقات جالبی می شود که در ادامه کتاب می خوانید. اوج ماجرای این کتاب، آن جایی است که فیلم اسرای ایرانی از تلویزیون دولتی عراق پخش می شود و از قضا، صدام، دیکتاتور در یک سبلی ملاکی تصویر این نوجوان های شجاع را می بیند، سپس دست به حيله ای می زند و دستور می دهد اسرای کوچک را به دیدار او ببرند تا از آن ها برای تبلیغات دروغین اش استفاده کند و به همه بگوید که ایران این نوجوان ها را به اجبار به جنگ فرستاده است! این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد و مقام معظم رهبری در تقریظی بر این کتاب نوشته اند: «در روزهای پایانی ۹۲ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته شیوا، جذاب و هنرمندانه شیرین کام شدم و لحظه ها را با این مردان کم سال و پر همت گذراندم. به این نویسنده خوش ذوق و به آن بیست و سه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه این زیبایی ها، پرداخته سرینجه معجزه گر اوست، درود می فرستم و جبهه سیاسی بر خاک می سایم.» این کتاب تا به حال ۵۴ بار، تجدید چاپ شده است.



### بریده هایی خواندنی از کتاب «ملا صالح»

را قفل کرد. بی حال روی زمین نشستم. سرم را به دیوار تکیه دادم. دست هایم می لرزید و اشک بی اختیار از چشمانم سرازیر بود... صدای قدم هایی که نزدیک می شد، در گوشم نشست و به دنبالش صدای کلید که در قفل چرخید. سرم را بلند کردم و چشمانم با وحشت به در خیره شد...» (صفحه ۲۱۶-۲۱۴)

#### ■ خان آخر هفت خان اسارت

ماجراها و فراز و نشیب های زندگی، تا لحظه آخر و زمانی که نام ملا صالح برای آزادی و بازگشت به ایران اعلام شد هم، دست از گریبانش بر نمی دارد: «بعد از انجام تشریفات و فیلم و عکس گرفتن، ما را به طرف هواپیما بردند... نزدیک پلکان رسیدم... وارد هواپیما شدم و در جای خود نشستم... چند دقیقه ای بیشتر در آن حال نبودم و می خواستم با خدای خود خلوت کنم که ناگهان با صدایی آشنا و خشن قلمب لرزید و فروریخت! چشمانم را باز کردم، با دیدن کسی که بالای سرم ایستاده بود نزدیک بود سکنه کنم. تیسار قدوری، رئیس کل اسرا بود که همراه چند محافظ و مامور آمده بود تا اسرای آزاد شده را چک کند و به مسئول اسرای ایرانی تحویل بدهد... در همین لحظه نماینده صلیب سرخ داخل هواپیما آمد و قدوری را در کنار من دید. قدوری با دیدن نماینده صلیب سرخ، با غضب به او گفت: این نباید برود! من به جای این، یکی دیگر می فرستم!» (صفحه ۲۲۰-۲۱۹)



### گزیده هایی خواندنی از کتاب

#### «آن بیست و سه نفر»

#### ■ طعم اولین سبلی اسارت

سبلی و اسارت، ملازم یکدیگرند. اگر بیست سال جایی اسیر باشی، آغاز اسارت در دست زمانی است که اولین سبلی را می خوری! اولین سبلی حس غریبی دارد. یکدفعه ناامیدت می کند از نجات و خلاصی و همه امیدت به سمت خداوند می رود. خودت را در بست می سپاری به قدرت بزرگی که خدای آسمان ها و زمین است. درد می کشی و تحقیر می شوی و این دومی کشنده است. تحقیر شدن من با اولین سبلی، حد و حساب نداشت. داشتم از مرد سیه چرده ای سبلی می خوردم که با پوتین هایش روی خاک وطنم راه می رفت. سبلی خوردن از متجاوز دردی مضاعف دارد. برای تخمین درد یک سبلی ملاکی هست؛ این که کدام سوی خط مرز باشی، اگر این طرف، در خاک خودت باشی درد این سبلی فرق می کند تا آن که در آن سوی مرز در خاک دشمن باشی و من این طرف، روی زمین خوزستان سبلی خوردم؛ یک سبلی پر درد! (صفحه ۸۴)

#### ■ اولین خنده، بعد از اسارت

آفتاب تازه طلوع کرده بود وقتی وارد اولین خیابان شهر بغداد شدیم. راننده اتوبوس دستش را گذاشته بود روی بوق و بر نمی داشت. این طوری به اهالی پایتخت می گفت دارد اسیر می برد!

«محمد» هنوز بی حرکت کف اتوبوس افتاده بود. دیگران روی صندلی ها نشسته بودند و به آینده ای که در انتظارشان بود فکر می کردند. در همین لحظه صدای کسی که او را نمی دیدم پیچید توی اتوبوس. همه به طرف صاحب صدا سرک کشیدند. اسیر جوانی بود که غربت اسارت نتوانسته بود شوخ طبعی و بذله گویی اش را از او بگیرد و خطاب به راننده اتوبوس گفت: «آقای راننده، بی زحمت همین چهارراه اولی نگه دارید، پیاده می شم!» خندیدیم و این اولین خنده مان پس از اسارت بود. یکی دیگر از اسرا صلواتی طلب کرد. فرستادیم. قضا عوض شد. روحیه گرفتیم. جوساکت و غمناک اتوبوس شکست. چقدر به آن خنده و صلوات نیاز داشتیم در آن ثانیه ها. (صفحه ۱۱۳)

**کت و شلوار ۹۵ هزار تومان**  
انواع شلوار لی، کتان، فاستونی ۲۸ تومان، تیشرت ۱۵ تومان و...  
بلوار پیروزی، رضاشهر، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ تولیدی پوشاک بزرگمهر ۰۹۱۵۴۷۷۹۳۸۲

### همه چیز درباره پویش روشن

«پویش مطالعاتی روشن» در سال ۹۲ با هدف بالابردن سرانه مطالعه کشور، تقویت اقتصاد نشر و افزودن کتاب، به عنوان یک کالای ضروری به سبد فرهنگی هر خانواده آغاز به کار کرد. این پویش تاکنون هفت دوره مطالعاتی در سطح ملی برگزار کرده و در مدت ۴ سال، بیش از ۲۵ عنوان کتاب، به مخاطبان و علاقه مندان پیگیر، معرفی و توصیه کرده است. از جمله کتاب های دوره های قبل این پویش، می توان به «تاریخ مستطاب آمریکا»، «پچرخ تا پچرخیم»، «پچه های عاشورا»، «سقای آب و ادب» و... اشاره کرد.

## روشن

پویش مطالعاتی

#### ■ سازگار با جیب جوانان و سلیقه های مختلف

یکی از ویژگی های بارز پویش روشن، علاوه بر کمک به افزایش فروش کتاب، کاهش قیمت آن ها در تجدید چاپ هاست و در واقع می توان گفت این پویش به بهانه دوره های مطالعاتی، تلاش دارد کمک کند مخاطبان با هزینه ای کمتر از قبل، کتاب های معرفی شده را خریداری کنند. به نقل از تسنیم و به گفته «محمد شفيعی»، دبیر این دوره پویش روشن که هفتمین دوره به حساب می آید، «از ابتدای این پویش تا الان، طی ۴ سال، بیش از یک میلیون جلد کتاب به فروش رفته و از هر کتاب به طور میانگین ۵۰ هزار نسخه چاپ شده است. بنا به آمار، این پویش به صورت میانگین ۱۰۰ هزار نفر مخاطب دارد و برای هفتمین دوره هم بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کتاب فروشی همکاری می کنند.» هفتمین دوره پویش روشن، از تاریخ ۱۶ تیر ۹۶ شروع شد و تا ۱۶ مهر ماه ادامه دارد. یکی از کتاب های این دوره پویش، «ملا صالح»، مجموعه خاطرات ملا صالح قادری مترجم اسرای ایرانی در عراق به تالیف رضیه غبیشی است که انتشارات شهید کاظمی آن را چاپ و به قیمت ۸ هزار تومان عرضه کرده است و دیگری «آن بیست و سه نفر»، خاطرات خودنوشت احمد یوسف زاده از آزادگان جنگ تحمیلی است که انتشارات سوره مهر با قیمت ۱۰ هزار تومان آن را ارائه کرده است.

#### ■ یک حرکت جمعی جذاب

برخلاف مسابقه های معمول کتاب خوانی کشورمان، پویش مطالعاتی روشن بیش از آن که بر وجه مسابقه و رقابت ماجرا تأکید داشته باشد، «مطالعه و لذت بردن از خواندن کتاب و ترویج کتاب خوانی» را محور اصلی کار خود قرار داده است. در واقع می توان گفت این حرکت، یک پویش واقعی کتاب خوانی است که با تشویق مخاطبان کتاب هایش به عکاسی از جلد و صفحات کتاب، روخوانی از کتاب و ضبط آن به شکل یک فایل صوتی، نوشتن یا ضبط نظرات خود در مورد کتاب به شکل یک فایل ویدئویی و انتشار تمام این ها در فضای مجازی، حواشی جذابی برای مطالعه کتاب های مفید و خواندنی، به وجود آورده است.

#### ■ چگونه در این پویش مطالعاتی شرکت کنیم؟

علاقه مندان برای شرکت در این پویش و برنده شدن جوایزش، می توانند با مراجعه به وبسایت روشن به نشانی [Rushana.ir](http://Rushana.ir) نسخه کاغذی یا الکترونیک کتاب های این دوره یا در صورت علاقه، دوره های قبلی را بخزند یا به کتاب فروشی های شهر های مختلف که با این پویش همکاری دارند مراجعه و نسخه کاغذی کتاب ها را تهیه کنند و با روش هایی مثل ارسال کد ده رقمی برچسب کتاب به سامانه پویش، انتشار عکس و فیلم از کتاب در شبکه های اجتماعی و تگ کردن پیچ پویش، یا معرفی کتاب در فضای عمومی و تهیه گزارش از این معرفی و انتشار آن در شبکه های اجتماعی، در جدیدترین دوره این پویش با محوریت کتاب «آن بیست و سه نفر» و «ملا صالح» شرکت کنند. فراموش نکندید جایزه اصلی این پویش، مطالعه یک کتاب خوب است.